

بررسی اثر شکاف قیمتی ارزشهای مختلف و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی

(در راستای ایجاد یکسان سازی نرخ ارز)

امید احمدی^۱، اشکان بذرافکن^۲

۱- دکتری مدیریت مالی، مدیر کل اداره امور اقتصادی و دارایی خوزستان، omidahmadi9819@gmail.com

۲- دکتری اقتصاد، کارشناس مسئول اداره امور اقتصادی و دارایی خوزستان، ashkanbazrafkan20@gmail.com

چکیده

به طور معمول سیاست ارزی با هدف تسریع رشد صادرات، کمک به کاهش ناترازی بخش خارجی، تحریک رشد اقتصادی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعات نشان می‌دهد این سیاست می‌تواند از کانال‌های متعددی بخش واقعی اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش حاضر به بررسی تجربی اثر شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای صادرات، قاچاق، تورم و بیکاری اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۱ تا ۱۴۰۲ با استفاده از تابع واکنش آنی پرداخته است. نتایج نشان داد که:

(۱) اثر شکاف نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی: تا ۲ دوره باعث افزایش صادرات، از دوره ۲ به بعد روند افزایشی کاهش یافته و از دوره ۵ به بعد باعث کاهش صادرات شده است. باعث افزایش قاچاق شده است. از دوره پنجم به بعد تاثیر شکاف نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. در واقع شکاف نرخ ارز باعث افزایش قاچاق و از دوره پنجم به بعد شدت افزایش قاچاق، کاهشی شده است. ابتدا باعث کاهش و سپس افزایش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث کاهش شدید تورم و سپس شدت کاهش تورم، کمتر شده و از دوره ۴ به بعد باعث افزایش تورم شده است و از دوره ۶ به بعد شدت افزایش تورم، کاهشی شده است. ابتدا باعث کاهش شدید و سپس کاهش خفیف بیکاری شده است. در واقع تا ۴ دوره باعث کاهش شدید بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، کمتر شده است.

(۲) اثر آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی: به طور مثبت، صادرات را تحت تاثیر قرار داده است. این روند صعودی ادامه دار بوده به طوریکه از دوره ۵ به بعد به طور فزاینده صورت گرفته است. روند نزولی عکس العمل قاچاق به آزادسازی نرخ ارز از دوره اول به بعد نیز ادامه داشته است. به طوری که از همان دوره اول به بعد تاثیر آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. آزادسازی نرخ ارز بر تورم اثرگذار بوده و ابتدا باعث افزایش و سپس کاهش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث افزایش تورم و سپس باعث کاهش تورم شده است. ابتدا باعث کاهش خفیف و سپس کاهش شدید بیکاری شده است. در واقع تا ۵ دوره باعث کاهش خفیف بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، افزایشی شده است.

چکیده: شکاف قیمتی ارز، یکسان سازی نرخ ارز، تابع عکس‌العمل آنی.

۱. مقدمه

در بازار ارز خارجی کشورهای پیشرفته، پول‌های مختلف به طور آزادانه بین افراد، بنگاه‌های تجاری و دولت‌ها خرید و فروش می‌شوند. ولی در کشورهای در حال توسعه، این آزادی به بازار ارز خارجی داده نمی‌شود و دولت‌ها، محدودیت‌هایی را بر معاملات ارز خارجی (به منظور اعمال سیاست‌های پولی و ارزی خود) اعمال می‌کنند، در نتیجه بازار سیاه ارز خارجی ایجاد می‌شود. این بازارها در کشورهای در حال توسعه وجود دارند و معمولاً تحت نظارت و کنترل دقیق دولت قرار ندارند. هر چه سخت‌گیری بیشتری بر معاملات ارز خارجی اعمال شود، وجود اختلاف قیمتی میان نرخ ارز رسمی و بازار سیاه بیشتر می‌شود. طبق نظر سلیکوز^۱ و ارسلان (۲۰۱۱)، سیاست‌گذاران در تدوین سیاست‌های پولی به جای اقتصاد بسته، به دلیل اهمیت تجارت جهانی کالاها و خدمات، بهتر است نگاه به اقتصاد آزاد داشته باشند. در چند دهه اخیر، سیاست‌های ارزی در میان سیاست‌گذاران اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است، زیرا نوسانات نرخ ارز، مشکلات زیادی را بر اقتصاد ایران بوجود آورده است. از این رو، از چالش‌های مهم اقتصاد کلان ایران می‌توان به اثرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی اشاره کرد، چرا که نوسانات نرخ ارز بر هر دو بخش عرضه و تقاضای اقتصاد تاثیر می‌گذارد. نرخ ارز نقش غیر قابل انکاری در صادرات و واردات داراست، چرا که نرخ ارز در تعیین میزان قدرت تولیدکنندگان داخلی در برابر تولیدکنندگان خارجی نقش اساسی ایفا می‌کند و از این طریق می‌تواند تولید و اشتغال را تحت تاثیر قرار دهد. نرخ ارز از طریق اثرگذاری بر قیمت کالاها هم، می‌تواند تولید و اشتغال را متاثر کند (جنتی و همکاران، ۱۳۹۳ و اصغریور و همکاران، ۱۳۹۴). تأثیر محدود و موقتی نرخ‌های چندگانه ارزی، عامل حذف این گونه نظام‌ها در اکثر کشورها بوده و فقط در تعداد معدودی از کشورهای در حال توسعه اجرا می‌شود. این نظام‌ها، می‌توانند به شدت انگیزه‌های اقتصادی را تخریب و از طریق تخصیص نادرست منابع تولید و مصرف، هزینه‌هایی را بر اقتصاد تحمیل کنند که این آثار مخرب از دو منبع اصلی ناشی می‌شود: انحراف در تخصیص ارز به خاطر مقررات و محدودیت‌های ارزی که تحت نرخ‌های چندگانه و بازارهای تفکیک شده افزایش می‌یابند. همچنین سیاست چند نرخی ارز هر چند که موجب محاسنی چون ورود کالاهای اساسی، دارو و همچنین تخصیص انرژی ارزان و سایر کالاهای یارانه‌ای می‌شود اما به دلیل و خصوصیات جامعه ایران باعث مشکلات زیر می‌شود: ایجاد رانت خواری به نحو وسیع و گسترده، گسترش نابرابری و فاصله گرفتن طبقات اجتماعی به علت تخصیص یارانه‌های نرخ ارز پایینتر به افراد ثروتمند بخش فرآورده‌های انرژی و بلیط هواپیما و استفاده همگانی از یارانه کالاهای اساسی، اتلاف منابع و فروش قاچاق کالاهای مشمول نرخ ارز و غیره (طیبه و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به تصمیم مقامات اقتصادی و پولی کشور مبنی بر اجرای سیاست تک نرخی ارز، سیاست مذکور بیش از پیش مدنظر قرار گرفته است. لذا به دنبال اجرای این سیاست اقتصادی مهم، تأثیر آن بر متغیرهای مختلف اقتصادی نیز اهمیت می‌یابد. لذا در این مقاله به اثرات چند نرخی بودن (اختلاف نرخ ارز دولتی (۱۳۹۶-۱۳۷۱) و نیما (۲۰۱۴-۱۳۹۷) با نرخ ارز بازار آزاد) و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته شده است. ساختار مقاله به صورتی است که پس از مقدمه در بخش دوم به مبانی نظری پرداخته، در بخش سوم پیشینه داخلی و خارجی، در بخش چهارم روش‌شناسی، در بخش پنجم نتایج روش‌شناسی و در بخش ششم به نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری

کلاریدا و همکاران (۲۰۰۲)، ایده‌های اصلی مدل ماندل فلمینگ را در اقتصاد کلان اقتصاد آزاد گسترش دادند. آنها معتقد بودند نرخ ارز به شوک‌های اقتصادی داخلی و خارجی واکنش نشان می‌دهد و از این طریق متغیرهای زیادی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (ایلر^۲، ۲۰۱۵). نرخ ارز پایدار، تجارت خارجی را تضمین می‌کند و فضای خارجی خوبی برای توسعه اقتصادی فراهم می‌کند، در حالی که در مقابل، نرخ ارز ناپایدار باعث افزایش درآمد و عدم اطمینان مالی در آینده، افزایش خطر سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی می‌شود (دوریکس^۳، ۲۰۰۴ و بیرن^۴ و دیویس، ۲۰۰۵). ادبیات قبلی نشان می‌دهد که نوسانات بیشتر نرخ ارز معمولاً منجر به خطر بیشتری برای سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌شود (اوراتا^۵ و کاوایی، ۲۰۰۰؛ سرون^۶، ۲۰۰۳؛ و بیرن و دیویس، ۲۰۰۵). از این دیدگاه، عوامل تأثیرگذار در نوسان نرخ ارز بیشتر از جنبه‌های اقتصادی و مالی مانند تأثیر قیمت نفت و جریان‌های سرمایه بین‌المللی بر نرخ ارز مورد بحث قرار می‌گیرند (باشر^۷ و همکاران، ۲۰۱۲ و جونگوانیچ^۸ و کوهپایبون، ۲۰۱۳). در حالی که چند مطالعه در مورد تأثیر عوامل سیاسی بر نرخ ارز بحث کرده‌اند (اشتاینبرگ^۹ و شی، ۲۰۱۲). تحریم‌های اقتصادی به محض اجرایی شدن، به طور حتم بر قیمت‌های بین‌المللی نفت و جریان سرمایه بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و باعث نوساناتی در نرخ ارز می‌شود که خود زمینه‌ای برای تحت تاثیر قرار دادن سایر متغیرهای کلان اقتصادی می‌شود. کشورهایی که رشد اقتصادی آنها تا حدی به صادرات انرژی و مازاد تجاری بستگی داشته باشد، تحریم‌های اقتصادی، صادرات سوخت‌های نفتی را محدود می‌کند و علاوه بر این، تغییرات چشمگیری در ساختار تجارت خارجی ایجاد می‌نماید، اقتصاد را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد، سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد، پول ملی کشور هدف تحریم را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد و باعث افزایش نوسانات نرخ ارز می‌شود. تحریم‌های اقتصادی همچنین می‌تواند منجر به کاهش واردات، کاهش عرضه، افزایش تورم شود (گورویچ^{۱۰} و پرلیپسکی، ۲۰۱۵ و درگر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۶). به عنوان نمونه، تحریم‌های اقتصادی علیه کشور ایران مانند تحریم جامع تجاری و محدودیت‌های مالی اعمال شده توسط اتحادیه اروپا و ایالات متحده را می‌توان برشمرد. اساساً کانال‌های مالی و تجاری بین ایران و جامعه جهانی را قطع کرده و کشورهای مربوطه را مجبور به متوقف یا کاهش قابل توجه واردات نفت از ایران کرده است. بسیاری از شرکت‌های نفتی خارجی از ایران خارج شده‌اند، که منجر به کاهش سریع تولید و صادرات نفت ایران، کاهش شدید درآمدهای نفتی، کاهش شدید ارزش پول آن (ریال) و تورم و بیکاری بیشتر می‌شود، در نتیجه باعث افزایش نرخ ارز می‌گردد (دودلاک^{۱۲}، ۲۰۱۸). پس با این تفاسیر، تحریم‌های اقتصادی، نوسانات نرخ ارز را افزایش می‌دهد، که ممکن است از دو کانال زیر ناشی شود: کانال تجارت واردات و صادرات و کانال مالی. تحریم‌های اقتصادی، به ویژه تحریم‌های وارداتی و صادراتی کشور هدف تحریم، بر ساختار تجارت کشور

2. Eyler

3. Devereux

4. Byrne and Davis

5. Urata and Kawai

6. Serven

7. Basher and et al

8. Jongwanich and Kohpaiboon

9. Steinberg and Shih

10. Gurvich and Prilepskiy

11. Dreger and et al

12. Dudlak

هدف تحریم تأثیر می‌گذارد. از طرفی، کاهش صادرات منجر به مشکلات مالی کشور هدف تحریم می‌شود که درآمد آن متکی به نرخ ارز است، از طرف دیگر، کاهش واردات منجر به کاهش عرضه کالاها در کشور هدف تحریم و عدم تقاضا می‌شود. از نتایج آن می‌توان به نوسانات شدید نرخ ارز و افزایش قیمت کالاهای داخلی کشور هدف تحریم اشاره کرد. بهترین الگو برای آن، می‌توان کشور ایران را برشمرد (شیونگ^{۱۳} و تیان، ۲۰۱۵). کانال دوم، کانال مالی است. وقتی کشور هدف تحریم، تحت تحریم‌هایی از جمله ممنوعیت سرمایه‌گذاری، ممنوعیت معاملات مالی، دارایی‌های مسدود شده و ممنوعیت اعتبار صادراتی باشد، تأمین مالی شرکت‌های داخلی آن فقط از طریق بانک مرکزی می‌تواند انجام شود، بنابراین مقدار زیادی پول تولید می‌شود، که خود باعث افزایش تورم و افزایش نوسانات نرخ ارز می‌شود (گورویچ و پرلیپسکی، ۲۰۱۵).

نوع اصلی و پرکاربرد تحریم‌ها، تحریم‌های اقتصادی است. این تحریم‌ها منجر به وخیم شدن اوضاع اقتصادی در کشور مورد نظر می‌شود و در نتیجه دولت آن را مجبور به تغییر برخی سیاست‌ها یا اقدامات می‌کند. از این رو، اولین چیزی که تحریم باید بر آن تأثیر بگذارد، وضعیت اقتصادی کشور هدف تحریم است که شامل نرخ ارز، تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی است. تأثیرگذاری تحریم‌ها بر نرخ ارز به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده اقتصاد کلان کشور که ارتباط تنگاتنگی با سایر متغیرهای اقتصادی دارد، از مهمترین آنهاست (بوتوزو^{۱۴}، ۲۰۱۶). تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به ویژه تحریم‌های ریالی، بیشترین تأثیر را در معاملات مالی خارج از کشور داشته و تقاضا برای مبادله در کشور را کاهش داده است. افزایش تقاضا برای نرخ ارز در داخل کشور، قیمت ارز را افزایش می‌دهد و این اثر منفی بر اقتصاد ایران دارد، زیرا کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش تورم می‌شود (رسولیار^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۵). با اجرای تحریم‌ها، دسترسی ایران به بازار مالی بین‌المللی به طور قابل توجهی کاهش یافته است. بعلاوه، در بعضی موارد حتی دسترسی به بازارهای مالی غربی تقریباً غیرممکن بوده است. ارزش ریال پس از تحریم‌های مالی دسترسی ایران به درآمد نفت به طرز چشمگیری کاهش یافته است. برای اینکه قیمت ریال ثابت شود، دولت نباید پول‌گرا باشد. این نه تنها باعث تورم می‌شود بلکه باعث افزایش انتظارات تورمی از دولت می‌شود و تقاضای پول ملی را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، مردم، پول خود را به ارز خارجی تبدیل می‌کنند که منجر به افت بیشتر ارزش پول ملی می‌شود. اگر دولت در زمان رونق صادرات نفتی، به درآمد بالای نفتی که از طریق فروش به کشورهای خارجی به دست می‌آورد دسترسی داشته باشد، بانک مرکزی برای جلب اعتماد مردم، در بازار ارز مداخله خواهد کرد. در زمان اجرای تحریم‌ها، هیچ یک از موارد فوق وجود ندارد. بحران ارزی از سال ۲۰۱۲ شدت گرفت. حتی اگر منابع ارزی ایران به پایان نرسیده بود، دولت به دلیل تحریم‌های مالی در مبادلات بانکی با کشورهای خارجی با افت چشمگیر ارزش ریال در سال ۲۰۱۲ مواجه شد. این امر منجر به تورم شدیدی شد. برای جلوگیری از این امر، دولت ایران کنترل سرمایه را از یک سو و دسترسی محدود به ارز برای وارد کردن مایحتاج زندگی را اعمال کرد. دولت نشان داده است که از انعطاف بیشتری در جهت استفاده از ارز چند نرخ بر خوردار است. اصلاح نرخ ارز، مزایای زیادی دارد. ثبات نرخ ارز موجب جلب اعتماد معاملات ملی و افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. با این وجود، عدم دسترسی به بازارهای خارجی به دلیل تحریم‌ها باعث نوسانات نرخ ارز شده است که ناشی از کاهش صادرات نفت از یک سو و ناتوانی

13. Xiong and Tian

14. Butuzov

15. Rasolyar and et al

ایران در جمع‌آوری درآمد نفت از سایر کشورها از سوی دیگر است. موارد فوق می‌تواند تأثیر تحریم بر نرخ ارز در ایران را توجیه کند (تربت^{۱۶}، ۲۰۰۵).

به دلیل وابستگی کشور ایران به درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت، تحریم‌های اقتصادی از طریق اثرگذاری بر صادرات نفت، بر نرخ ارز اثرگذار است. به دلیل منابع ارزی ناکافی ناشی از تحریم‌های سخت اقتصادی، سیستم نرخ ارز شناور از کار می‌افتد و دولت‌ها به ارز چند نرخ روی می‌آورند. سیستم ارزی چند نرخ طی سال‌های تحریمی استفاده شده است. به دلیل محدودیت منابع ارزی و آینده نامشخص مسائل هسته‌ای و تحریم‌های علیه ایران، بانک مرکزی نمی‌تواند به طور فعال در بازار ارز دخالت کند؛ زیرا حمایت از هرگونه نرخ قابل قبول در شرایط نامشخص هسته‌ای فعلی منجر به ائتلاف منابع بانک مرکزی خواهد شد و اینکه، بانک مرکزی با وجود تحریم‌های فعلی بین‌المللی نمی‌تواند به راحتی به سپرده‌های خود در بانک‌های خارجی دسترسی پیدا کند (رسولیار و همکاران، ۲۰۱۵).

اغلب کشورهایی که با محدودیت ذخایر ارزی و کسری تراز پرداخت‌ها مواجه‌اند، با استفاده از نظام ارز دو نرخ (نرخ ارز بازار رسمی و بازار آزاد) سعی در حفظ ذخایر ارزی می‌کنند. در این شرایط نرخ ارز رسمی به واردات کالاهای ضروری و مواد اولیه و واسطه‌ای تولید و نرخ ارز بازار آزاد به تجارت سایر کالاها و سرمایه‌های خصوصی تخصیص می‌یابد. همچنین، طرفداران استفاده از این شیوه، معتقدند نرخ ارز بیش از حد ارزش‌گذاری شده‌ی بازار رسمی، به علت تسهیل واردات ارزان کالاها و نهاده‌های اولیه و واسطه‌ای تولید، موجب ارتقای رشد اقتصادی در این کشورها نیز می‌شود. اما در عمل، شکاف میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد نه تنها باعث دستیابی به هیچ یک از اهداف مورد نظر نگردید بلکه به افزایش معاملات غیرقانونی، از دست دادن درآمدهای تعرفه‌ای و کاهش ورود ارز از مجاری قانونی و گسترش فعالیت‌های رانت جویی در این کشورها انجامید (زبیری، ۱۳۹۵). تنظیم نامناسب نرخ ارز منجر به کاهش کارایی، تخصیص نامناسب منابع اقتصادی، از دست دادن ذخایر بین‌المللی، تضعیف انگیزه‌های تولید در بخش‌های مختلف و عدم تعادل کلان اقتصادی می‌شود. از طرف دیگر، انحراف نرخ ارز از سطح تعادلی باعث عدم اطمینان می‌شود و این عدم اطمینان از دو طریق می‌تواند آثار منفی بر اقتصاد بر جای گذارد. اول این که موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی شده و بر انباشت سرمایه اثر منفی می‌گذارد. دوم، عدم اطمینان نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های تجارت می‌شود، و بر قدرت رقابت تجاری تأثیر منفی خواهد داشت. این وضعیت به ویژه در اقتصادهایی بیشتر ظاهر می‌شود که امکان انجام مبادلات تأمینی در آن‌ها کم‌تر است هر یک از این عوامل می‌تواند موجب افزایش هزینه‌ها شده و موجب افزایش تورم گردد (همان، ۱۳۹۵).

۳. پیشینه تحقیق

پروین و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی اثر سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه برای سال ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج حاصل از الگوسازی بر اساس دو سناریو افزایش ۲۵ درصدی و ۳۵ درصدی نرخ ارز در ساطح کلان نشان داد، از منظر مصرف کننده و تولیدکننده، شاخص قیمت نسبی افزایش قابل توجهی معادل ۲۱ درصد و ۳۰ درصد در کنار رشد ۱.۸ درصد و ۲.۶ درصدی تولید به همراه خواهد داشت.

زیبری (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد بر تورم اقتصاد ایران با استفاده از الگوریتم کالمن فیلتر برای بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۴۰ پرداخت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که شکاف نرخ ارز اسمی و بازار آزاد، تاثیر مثبت و معنی‌داری بر تورم اقتصاد ایران دارد به گونه‌ای که یک درصد افزایش در شکاف نرخ ارز منجر به ۳ درصد افزایش تورم در ایران می‌شود. نتایج مذکور سیاست تک نرخی شدن ارز در راستای کنترل تورم در کشور را مورد تایید قرار می‌دهد.

طیبه و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی اثر یکسان‌سازی نرخ ارز بر رابطه مبادله‌ی تجاری در ایران با استفاده از الگوی خودتوضیح برداری ساختاری برای بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۷۰ پرداختند. نتایج حاصل از برآورد الگوی خودتوضیح برداری ساختاری برای اقتصاد ایران طی دوره مورد بررسی حاکی از آن بود که یکسان‌سازی نرخ ارز، رابطه‌ی مبادله‌ی تجاری را در کوتاه‌مدت تخریب اما در بلندمدت بهبود می‌بخشد. اگر سرعت یکسان‌سازی نرخ ارز بیشتر باشد، اثر بیشتری بر رابطه‌ی مبادله‌ی تجاری می‌گذارد.

نوفرستی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی اثر تغییر نرخ ارز بر متغیرهای اقتصاد کلان از طریق سیستم بانکی با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده برای بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۵۲ پرداختند. نتایج نشان داد افزایش نرخ ارز، از مسیر مطالبات غیرجاری بانک‌ها و سپرده‌های مدت‌دار موجب کاهش میزان اعتباردهی سیستم بانکی می‌گردد. از سوی دیگر افزایش نرخ ارز، از مسیر وضعیت باز ارزی و حساب سرمایه بانک‌ها، تاثیر مثبت بر میزان اعتباردهی بانک‌ها دارد که در مجموع با توجه به نتایج، با افزایش نرخ ارز، اثر منفی تغییر مطالبات غیرجاری و سپرده‌های مدت‌دار، قوی‌تر از اثر مثبت وضعیت باز ارزی است. همچنین روند کاهش میزانی اعتباردهی سیستم بانکی، تاثیر منفی بر سرمایه‌گذاری دارد. افزایش نرخ ارز از مسیر کاهش نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، موجب کاهش تولید ناخالص داخلی می‌شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، افزایش نرخ ارز، منجر به افزایش نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها می‌گردد.

داودی و سزاوار (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی افزایش نرخ ارز و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم برای بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۳۸ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که افزایش نرخ ارز در شرایط تحریم، علاوه بر کاهش تولید، زمینه‌ساز کاهش اشتغال و فشارهای تورمی می‌گردد.

کودرت^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی پتانسیل غیرخطی در ارتباط نرخ واقعی ارز و رابطه مبادله با توجه به سطح نوسان‌ها در بازارهای کالا و بازارهای مالی، در هر دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت برای ۶۸ کشور پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که یک رابطه بلندمدت بین نرخ واقعی ارز و رابطه مبادله وجود دارد.

بهمنی اسکویی^{۱۸} و گلان (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی ۱۲ کشور آفریقایی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که نوسانات نرخ ارز بر روی تجارت بسیاری از کشورهای مورد مطالعه در کوتاه مدت، مؤثر بوده است، ولی اثر بلندمدت آن بر روی صادرات ۵ کشور و واردات یک کشور، نمایان شده است.

۴. روش تحقیق

۴-۱. روش VAR

در این تحقیق، برای بررسی اثر شکاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، برای دوره زمانی ۱۳۷۱ الی ۱۴۰۲ از روش تابع واکنش آنی که زیرمجموعه روش VAR می باشد، استفاده شده است. در بردارهای خود رگرسیونی، هر متغیر به صورت تابعی از وقفه های خود و سایر متغیرها در نظر گرفته می شود. فرم ساده یک مدل VAR در حالت دو متغیره به صورت زیر نشان داده می شود.

$$Y_t = b_{10} - b_{12} z_t + \gamma_{11} y_{t-1} + \gamma_{12} z_{t-1} + \varepsilon_{yt}$$

$$Z_t = b_{20} - b_{21} y_t + \gamma_{21} y_{t-1} + \gamma_{22} z_{t-1} + \varepsilon_{zt}$$

ε_{yt} و ε_{zt} دارای خصوصیات مطلوب یا اصطلاحاً نوفه سفیدند. از آنجایی که Z_t با ε_{yt} و Y_t با ε_{zt} همبستگی دارند، به همین دلیل، معادلات فوق را نمی توان مستقیماً برآورد کرد، زیرا کاربرد روش های برآورد معادلات اقتصاد سنجی مستلزم این فرض است که بین متغیرهای توضیحی و اجزای اخلاص ارتباطی وجود ندارد. به همین دلیل، با جایگزینی Z_t از رابطه دوم در رابطه اول و نیز با قرار دادن Y_t از رابطه اول در رابطه دوم می توان معادلات زیر را نتیجه گرفت.

$$Y_t = \alpha_{10} + \alpha_{11} y_{t-1} + \alpha_{12} z_{t-1} + c_{1t}$$

$$Z_t = \alpha_{20} + \alpha_{21} y_{t-1} + \alpha_{22} z_{t-1} + c_{2t}$$

که در آن داریم:

$$e_{1t} = (\varepsilon_{yt} - b_{12} \varepsilon_{zt}) / (1 - b_{12} b_{21})$$

$$e_{2t} = (\varepsilon_{zt} - b_{21} \varepsilon_{yt}) / (1 - b_{12} b_{21})$$

از آنجایی که ε_{yt} و ε_{zt} دارای خصوصیات مطلوب هستند، می توان نتیجه گرفت که اجزای e_{1t} و e_{2t} نیز رفتاری مشابه دارند. لازم به ذکر است که در روابط فوق، تنها وقفه های اول متغیرها لحاظ شده است و در این خصوص باید با استفاده از آزمون های مناسب، نسبت به تعیین تعداد وقفه بهینه اقدام گردد. در این تحقیق، بر اساس معیارهای هنان کوئین، بیزین شوارتز و آکائیک دریافتیم که وقفه های بهینه، وقفه های دوم است.

۴-۲. روش نسبت نقد

یکی از متغیرهای تحقیق، حجم اقتصاد زیرزمینی است که در این تحقیق از روش نسبت نقد برای استخراج آن استفاده شده است. این روش نخستین بار توسط کیگان در سال ۱۹۵۸ و برای برآورد درآمدهای گزارش نشده مردم در دوره جنگ جهانی دوم بکار گرفته شد. بعدها از این روش برای محاسبه حجم اقتصاد زیرزمینی کشورهای مختلف استفاده کردند.

چارچوب محاسبه به شرح زیر است:

با فرض:

C: حجم اسکناس و مسکوک در جریان

D: حجم سپرده‌های دیداری در اقتصاد

Y_0 : درآمدهای اقتصاد رسمی

Y_U : درآمدهای اقتصاد غیررسمی

K_0 : نسبت نقد در اقتصاد رسمی

K_U : نسبت نقد در اقتصاد غیررسمی

V_0 : سرعت گردش درآمد در اقتصاد رسمی

V_U : سرعت گردش درآمد در اقتصاد غیررسمی

هدف محاسبه درآمدهای بخش غیررسمی است. بنا به تعریف:

$$C=C_0+C_U$$

$$D=D_0+D_U$$

اندیس 0 و U به ترتیب مربوط به اقتصاد رسمی و غیررسمی است.

$$K_0=C_0/D_0$$

$$K_U=C_U/D_U$$

$$V_0=Y_0/(C_0+D_0)$$

$$V_U=Y_U/(C_U+D_U)$$

سرعت نسبی گردش درآمد در اقتصاد رسمی به اقتصاد زیرزمینی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$a=V_0/V_U$$

با استفاده از این مجموعه معادلات Y_U به شرح زیر بدست می‌آید:

$$(Y_U) = \frac{1}{a} Y_0 \frac{(K_U + 1)(C - K_0 D)}{(K_0 + 1) K_U D}$$

۳ فرض وجود دارد:

(۱) سپرده دیداری مربوط به اقتصاد رسمی است و تنها وسیله پرداخت در اقتصاد غیررسمی وجه نقد است؛

(۲) نسبت نقد در طول زمان ثابت است یعنی K_0 ثابت است؛

(۳) قدرت خلق درآمد از هر یک ریال سوق داده شده به اقتصاد رسمی مانند قدرت خلق درآمد از هر ریال سوق داده

شده به اقتصاد زیرزمینی است؛ یعنی $a=1$ است. در این صورت درآمد خلق شده در اقتصاد زیرزمینی با استفاده از رابطه

زیر بدست می‌آید:

$$(Y_U) = Y_0 \frac{(C - K_0 D)}{(K_0 + 1) D}$$

دو برآورد بالا دچار یک عیب ساختاری است؛ یعنی هر چقدر بر دقت برآورد درآمد رسمی افزوده شود و رقم بزرگتری

بابت درآمد در اقتصاد رسمی بدست آید، رقم درآمد در اقتصاد زیرزمینی هم بزرگتر می‌شود، حال آنکه به حکم منطق،

رقم مورد بحث باید کوچکتر شود. برای رفع این نقیصه باید درآمدهای ثبت نشده‌ای را که بصورت برآوردی در رقم

درآمد رسمی درج شده‌اند از دو طرف حذف کرد. برای محاسبه حجم درآمد در بازار غیر متشکل باید برآوردی نیز از ضریب گردش درآمد در اقتصاد رسمی بدست آورد.

روش متداول این است که رقم اخیر برای دوره ما قبل دوره ایجاد اقتصاد زیرزمینی محاسبه و استفاده شود. نخست سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ را به عنوان سال‌های پایه در نظر می‌گیریم؛ چرا که تصور می‌شود حجم اقتصاد زیرزمینی در این سال‌ها آنقدر پایین است که می‌توان آن را صفر در نظر گرفت.

ارقام حاصله برای حجم فعالیت اقتصاد زیرزمینی در برخی از سال‌ها منفی می‌باشد و دلیل آن عبارت است از:

۱. عدم گسترش حجم اسکناس، بخاطر سیاست کاهش ارزش ریال؛

۲. جانشینی ارز بجای پول ملی در اقتصاد؛

۳. صدور و گردش بیش از یکبار چک‌های بی نام که در محاسبات پول نقد وارد نمی‌شود.

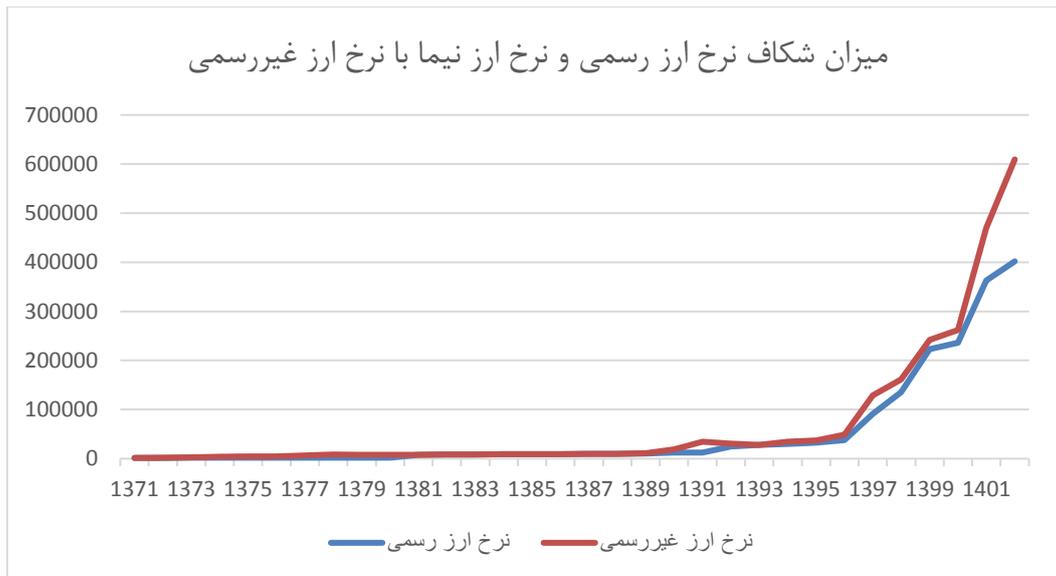
بنابراین باید موارد بالا را در مدل در نظر بگیریم و آن را مجدد تعدیل نماییم. برای این کار فرض می‌کنیم که جانشینی ارز در اقتصاد وجود دارد و این جانشینی سبب افزایش ۴۰٪ در حجم پول و اسکناس و مسکوک می‌شود و همچنین این جانشینی در سال‌های بعد با نرخ ۱۰٪ برای هر سال نیز ادامه می‌یابد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲).

اطلاعات و داده‌های لازم برای برآورد مدل تحقیق از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی و محاسبات تحقیق برای بازه زمانی ۱۳۷۱-۱۴۰۲ به دست آمده است.

۵. نتایج پژوهش

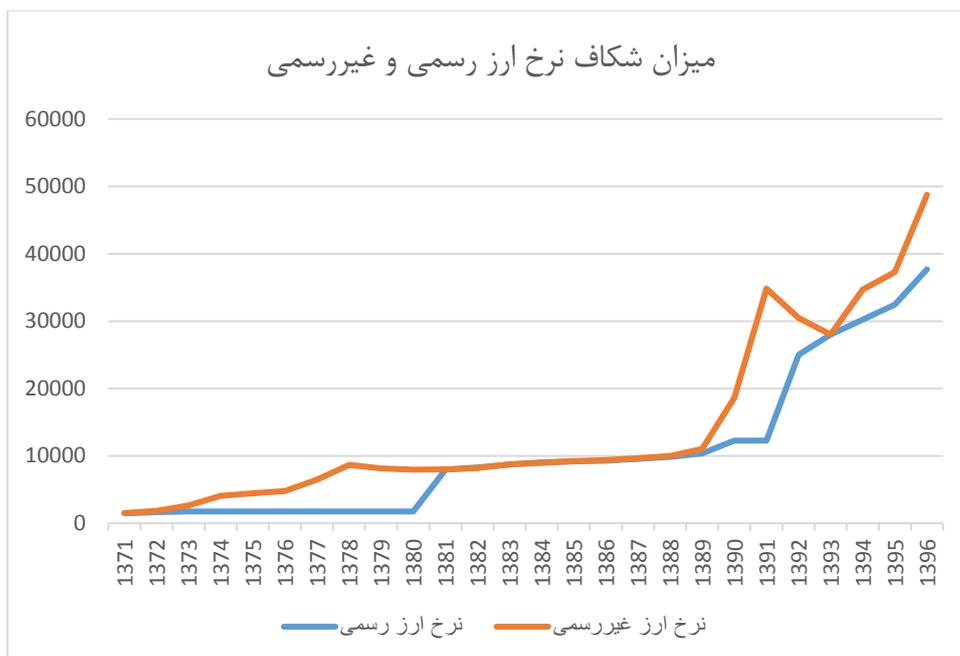
۵-۱. شکاف نرخ ارز رسمی و نرخ نیما با نرخ ارز غیررسمی

در نمودار (۱) شکاف نرخ ارز رسمی (۱۳۷۱-۱۳۹۶) و نرخ ارز نیما (۱۳۹۷-۱۴۰۲) با نرخ ارز غیررسمی نشان داده شده است. سامانه نظام یکپارچه معاملات ارزی که به اختصار سامانه نیما نام گرفته است از تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ به صورت آزمایشی و به شکل رسمی از تاریخ ۳ اردیبهشت ۹۷ شروع به کار کرد. به همین دلیل از سال ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۲ به جای نرخ ارز رسمی از نرخ ارز نیما استفاده شده است. همانطور که نمودار (۱) نشان می‌دهد میزان اختلاف نرخ ارز رسمی و نیما با نرخ ارز غیررسمی از سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. البته باید به این نکته توجه کرد که میزان اختلاف به درستی نمی‌تواند این تفاوت را نشان دهد. بنابراین نمودارها به صورت جداگانه و با درصد شکاف رسم شدند. در نتیجه در نمودارهای (۲) و (۳) میزان شکاف و درصد شکاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی (۱۳۷۱-۱۳۹۶) و در نمودارهای (۴) و (۵) میزان شکاف و درصد شکاف نرخ ارز نیما و غیررسمی (۱۴۰۲-۱۳۹۷) ذکر شده است. اما برای اثرگذاری شکاف میان نرخ ارزهای مختلف بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، بیکاری، صادرات و قاچاق کالا)، بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۷۱ یکجا در نظر گرفته شده است. که برای ۱۳۹۶-۱۳۷۱ از شکاف نرخ ارز رسمی و نرخ ارز غیررسمی و ۱۴۰۲-۱۳۹۷ از شکاف نرخ ارز نیما و نرخ ارز غیررسمی استفاده شده است.

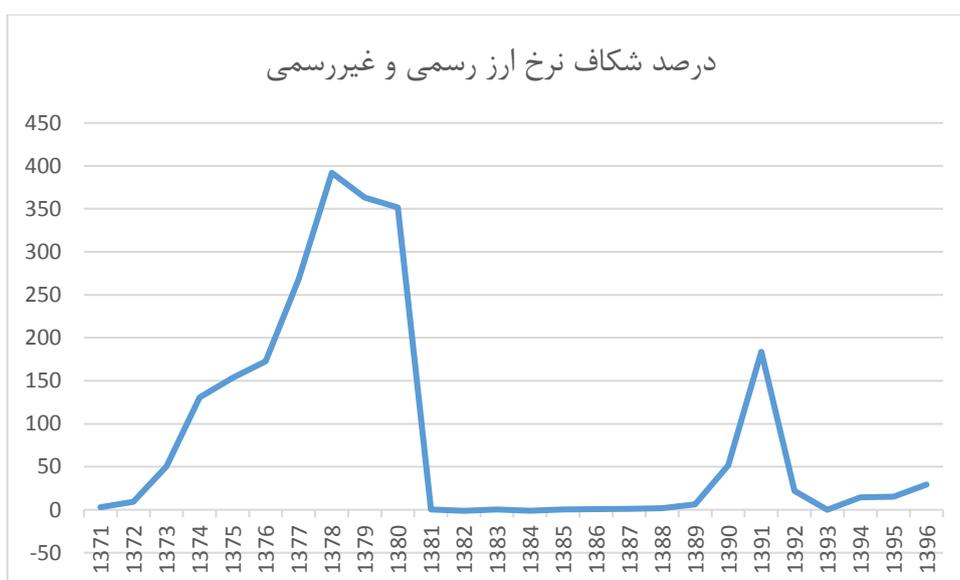


نمودار (۱) میزان شکاف نرخ ارز رسمی و نیمای با نرخ ارز غیررسمی (۱۳۷۱-۱۴۰۲)

در ایران، تا قبل از سال ۱۳۵۷، عملاً شکافی بین نرخ رسمی ارز و نرخ بازار آزاد (به صورت اسمی و واقعی) وجود نداشت و نظام ارزی کشور مبتنی بر حفظ و ثبات نرخ رسمی بوده است. اما بعد از انقلاب اسلامی، با اتخاذ سیاست محدودیت ارزی از اواسط سال ۱۳۵۷، مقدمات گسترش بازار آزاد ارز در کنار بازار کنترل شده رسمی فراهم آمد. البته در دهه اول بعد از انقلاب، مسائلی از قبیل کاهش درآمدهای نفتی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی به عنوان عوامل برون‌زا به گسترش شکاف ارزی دامن زدند در حالی که عوامل داخلی چون تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی، کنترل‌های شدید ارزی، تغییر در قوانین و مقررات ورود کالاها و سیاست‌های پولی و مالی دولت، در گسترش بازار آزاد ارز و افزایش شکاف نرخ ارز در دوره بعد از انقلاب، نقش مهمی داشته‌اند. تا قبل از سال ۱۳۷۲ یعنی قبل از شروع یکسان‌سازی ارز، این افزایش شکاف ارزی همراه با نوساناتی ادامه یافت و در سال ۱۳۷۲ با اجرای سیاست یکسان‌سازی ارز کاهش پیدا کرد. ولی، پس از سال ۱۳۷۲ با رها کردن این سیاست، شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد رو به افزایش نهاد و تا اواخر دهه ۱۳۷۰ ادامه یافت. در مجموع، رویکرد مقامات بانک مرکزی در مورد سیاست نرخ ارز در دهه ۷۰، نشان دهنده تمایل به حفظ نرخ‌های ارز اسمی ثابت است. گواه این گفته؛ استفاده از نرخ‌های رسمی ثبت شده در بسیاری از معاملات خارجی، به ویژه تا سال ۱۳۷۶ است. یکی از موانع تداوم جریان نرخ‌های رسمی، تورم بالا و بیش از حد ارزش‌گذاری نرخ رسمی ارز بوده است که تجلی آن، افزایش شکاف نرخ ارز در دو بازار رسمی و آزاد بوده است؛ اما از سال ۱۳۸۰ به بعد با اجرای سیاست یکسان‌سازی ارز، شاهد کاهش این شکاف و هم‌گرایی تدریجی این دو بازار هستیم همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، شکاف میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد (به صورت اسمی و واقعی) مجدداً از سال ۱۳۸۹ آغاز شد و با تشدید تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های ارزی، این شکاف به شدت افزایش یافت به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۱، با وجود افزایش حدود ۲۰ درصدی نرخ ارز رسمی به ۱۲۲۶۰ ریال، شکاف میان نرخ اسمی ارز رسمی و بازار آزاد در پایان سال ۱۳۹۱ به بیش از ۱۸۰ درصد رسید. سال ۱۳۹۳ این اختلاف کاهش و بعد از آن دوباره افزایش یافت.



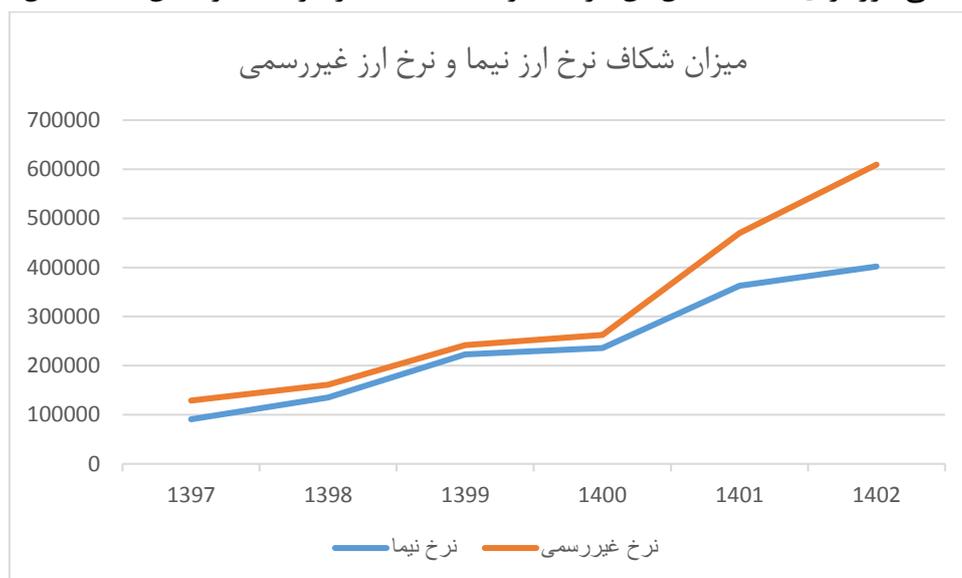
نمودار (۲) میزان شکاف نرخ ارز رسمی با نرخ ارز غیررسمی (۱۳۷۱-۱۳۹۶)



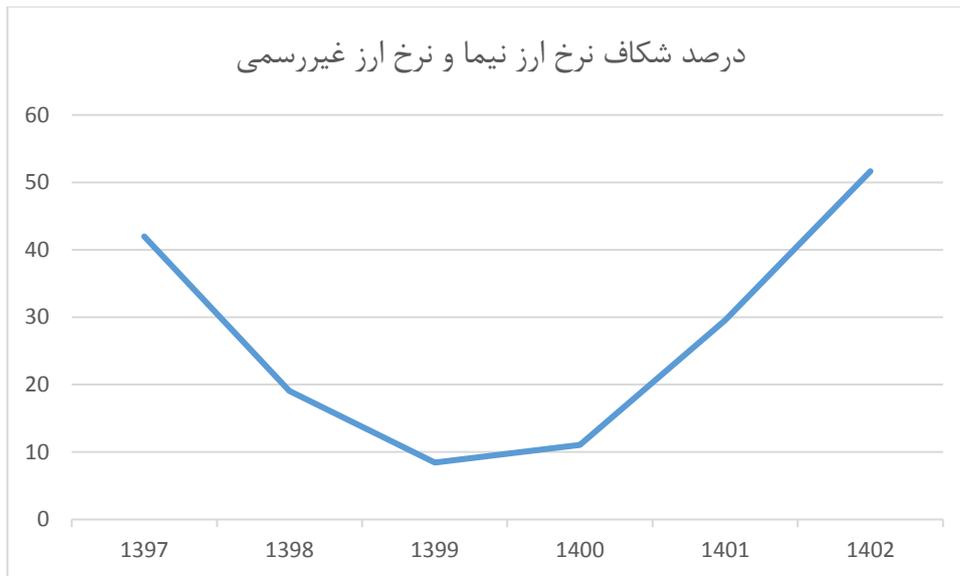
نمودار (۳) درصد شکاف نرخ ارز رسمی با نرخ ارز غیررسمی (۱۳۷۱-۱۳۹۶)

خروج بخش بزرگی از سرمایه ارزی در سال ۹۶ که بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول، ۲۷ میلیارد دلار تخمین زده شد، دو علت داشت؛ بیش اظهاری و کم اظهاری. این بدین معناست که یا صادراتی صورت نگرفته و یا کالاها به عنوان واردات ثبت سفارش شده ولی هیچ‌گاه وارد کشور نشده‌اند. البته در این میان نباید از قاچاق گسترده کالاها بدون پرداخت حقوق گمرکی غافل شد. این موضوع مقدمه‌ای برای تشکیل بازار ارز نیمایی و نظارت کامل بانک مرکزی بر جنبه‌های ارزی تجارت شد تا از این طریق تمامی واردات کشور به صورت رسمی و قانونی انجام شود. مطابق قوانین تصویب شده بانک مرکزی، بانک‌ها می‌توانند پس از گرفتن تعهد از واردکننده کالا و تشکیل پرونده، درخواست ارزی خود را به صورت حواله در سامانه نیما ثبت کرده و سفارش واردکننده را از طریق صرافی‌های موجود در سامانه انجام دهند. علاوه بر این صادرکنندگان کالاها نیز باید تمامی ارز حاصل از صادرات خود را به جز مواردی که برای واردات،

بازپرداخت بدهی ارزی و یا سپرده‌گذاری مصرف می‌شود؛ در سامانه نیما به فروش برسانند. از بهمن‌ماه سال ۹۶ زمزمه‌هایی درباره‌ی تشکیل بازار متشکل ارزی به گوش می‌رسید که در نهایت بانک مرکزی در اردیبهشت ۹۷ از سامانه ارز نیمایی رونمایی کرد. نیما در واقع مخفف شده عبارت «نظام یکپارچه‌ی معاملات ارزی» است و این سامانه با هدف سازماندهی بازار ارز در زمینه تجارت، واردات و صادرات کار خود را آغاز کرد. لزوم وجود ارز نیمایی و سامانه متشکل ارزی زمانی پررنگ شد که شکاف عمیقی بین نرخ ارز دولتی و نرخ ارز بازار آزاد به وجود آمد و این موضوع نگرانی بسیاری از تجار و بازرگانان وارد کننده را به همراه داشت. این موضوع سبب شد روند توسعه این سامانه سرعت بیشتری گرفته و نقش مؤثری را در کنترل نرخ ارز ایفا کند. همانگونه که در نمودارهای زیر نشان داده شده است اختلاف نرخ ارز نیما با نرخ ارز غیررسمی در سال ۱۳۹۹ به زیر ۱۰ درصد رسید و بعد از آن صعودی شد که در اسفند ۱۴۰۲ به بیش از ۵۰ درصد رسید که باعث نارضایتی و بی‌میلی صادرکنندگان و زمینه افزایش قاچاق می‌شود. همین باعث ایجاد ارز توافقی گردید. ارز توافقی یکی از جدیدترین ابزارها و مکانیسم‌های بانک مرکزی ایران برای کنترل و سامان‌دهی بازار ارز است. با توجه به شرایط اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارز در سال‌های اخیر، بانک مرکزی تصمیم به راه‌اندازی سامانه‌ای جدید برای تعیین نرخ ارز گرفت که در آن نرخ ارز بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا و به صورت شناور تعیین می‌شود. در بازار ارز توافقی، نرخ ارز به صورت شناور از طریق توافق مستقیم میان خریداران و فروشندگان تعیین می‌شود. این سیستم بر خلاف سایر بازارها، مانند نیما، هیچ‌گونه نرخ ثابت یا دستوری ندارد و نرخ به طور طبیعی بر اساس تقاضا و عرضه تغییر می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ارز توافقی، شفافیت است. این سیستم بر اساس عرضه و تقاضا کار می‌کند و به طور طبیعی، تمامی تغییرات نرخ ارز در بستر این سیستم به صورت شفاف به اطلاع عموم می‌رسد. فعالان اقتصادی به راحتی می‌توانند نرخ ارز را از طریق این سیستم مشاهده کرده و معاملات خود را بر این اساس تنظیم کنند. بانک مرکزی ایران در این بازار به عنوان ناظر و تنظیم‌کننده عمل می‌کند. در صورت بروز نوسانات شدید یا عدم تعادل در عرضه و تقاضا، بانک مرکزی با عرضه ارز در بازار، سعی در پایداری نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات غیرضروری می‌کند. البته ناگفته نماند این سیاست یک نوع شوک قیمتی ارزی محسوب می‌گردد و اگر بانک مرکزی به اندازه کافی، ارز برای ایجاد تعادل آن در اختیار نداشته باشد از اثرات مخرب آن نباید غافل شد.

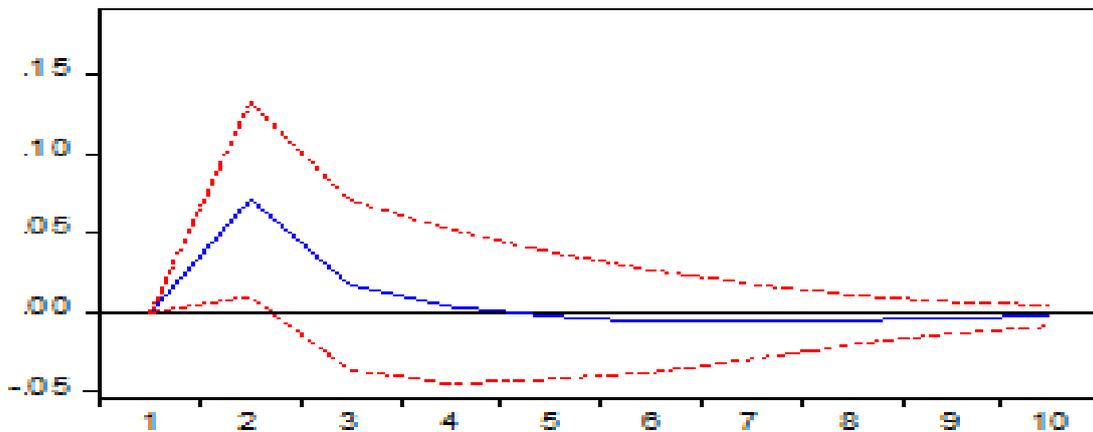


نمودار (۴) میزان شکاف نرخ ارز نیما با نرخ ارز غیررسمی (۱۳۹۷-۱۴۰۲)



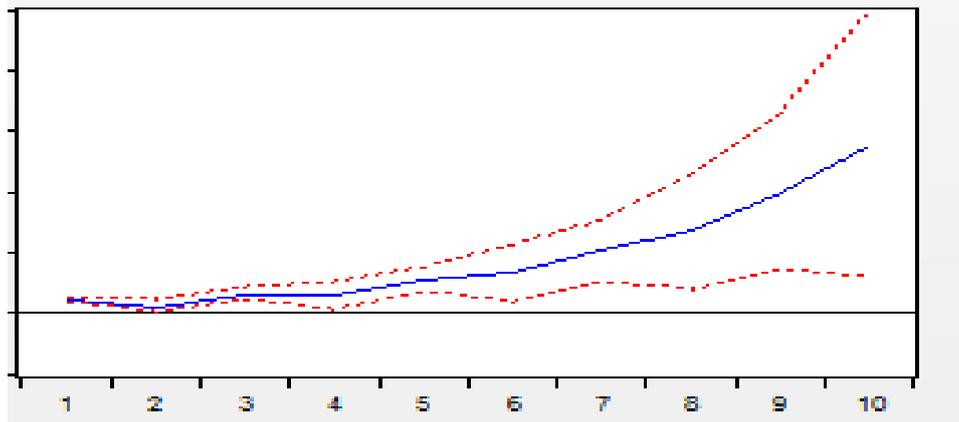
نمودار (۵) درصد شکاف نرخ ارز نیمه با نرخ ارز غیررسمی (۱۳۹۷-۱۴۰۲)

۵-۲. توابع عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر صادرات) به منظور بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر صادرات، تابع عکس‌العمل آنی متغیر صادرات به شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز، در طول ۱۰ دوره برآورد شده است.



نمودار (۶) نمودار عکس‌العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز بر صادرات)

نتایج نشان می‌دهد که شکاف نرخ ارز بر صادرات اثرگذار بوده و تا دو دوره به طور مثبت، صادرات را تحت تأثیر قرار داده است. روند نزولی عکس‌العمل صادرات به شکاف نرخ ارز از دوره دوم به بعد نیز ادامه داشته است به طوری که از دوره دوم به بعد تأثیر شکاف نرخ ارز بر صادرات، کاهشی شده است. این روند کاهشی تقریباً از دوره پنجم به بعد باعث اثر معکوس بر صادرات و در واقع باعث کاهش صادرات شده است.

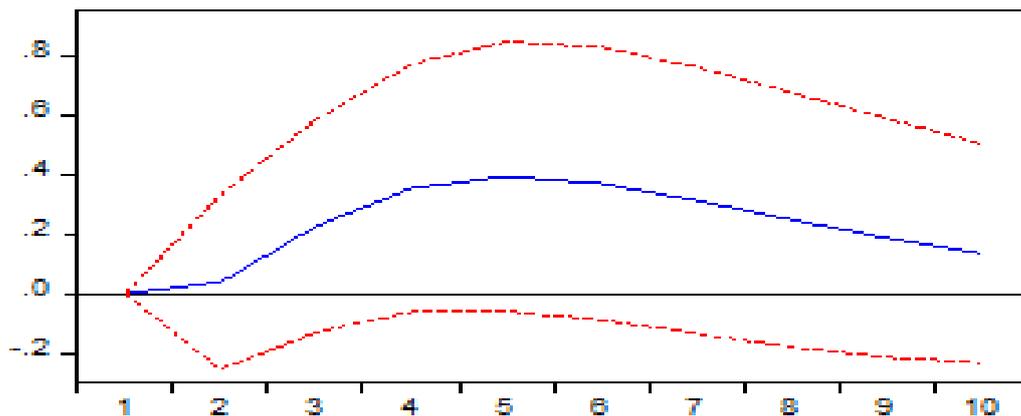


نمودار (۷) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر صادرات)

نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ ارز بر صادرات اثرگذار بوده و به طور مثبت، صادرات را تحت تأثیر قرار داده است. این روند صعودی ادامه دار بوده به طوری که از دوره ۵ به بعد به طور فزاینده صورت گرفته است.

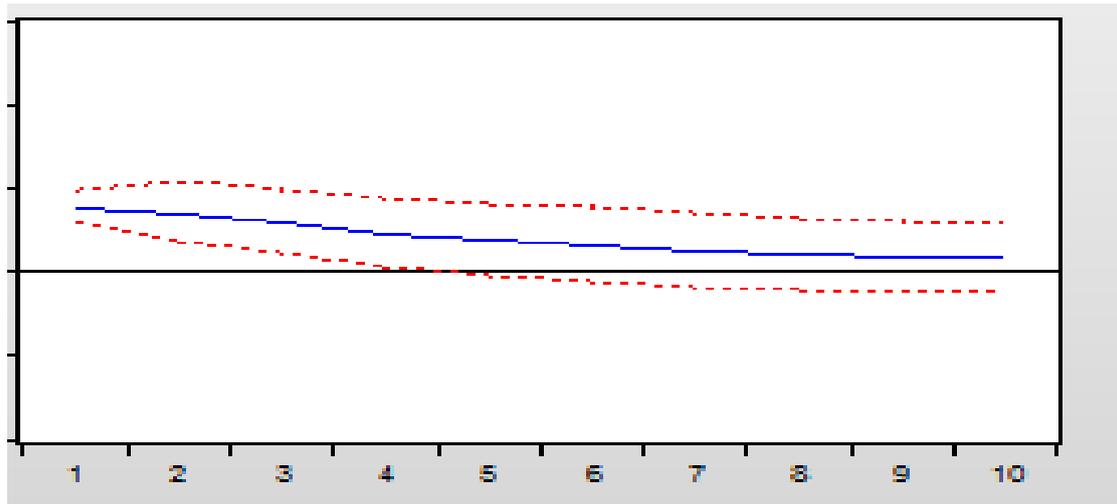
۳-۵. توابع عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق)

به منظور بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق، تابع عکس‌العمل آنی متغیر قاچاق به شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز، در طول ۱۰ دوره برآورد شده است



نمودار (۸) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز بر قاچاق)

نتایج نشان می‌دهد که شکاف نرخ ارز بر قاچاق اثرگذار بوده و باعث افزایش قاچاق شده است. روند نزولی عکس‌العمل قاچاق به شکاف نرخ ارز از دوره پنجم به بعد نیز ادامه داشته است به طوری که از دوره پنجم به بعد تأثیر شکاف نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. اما از آنجایی که خط آبی رنگ بالای صفر قرار دارد در واقع شکاف نرخ ارز باعث افزایش قاچاق و از دوره پنجم به بعد شدت افزایش قاچاق، کاهشی شده است.

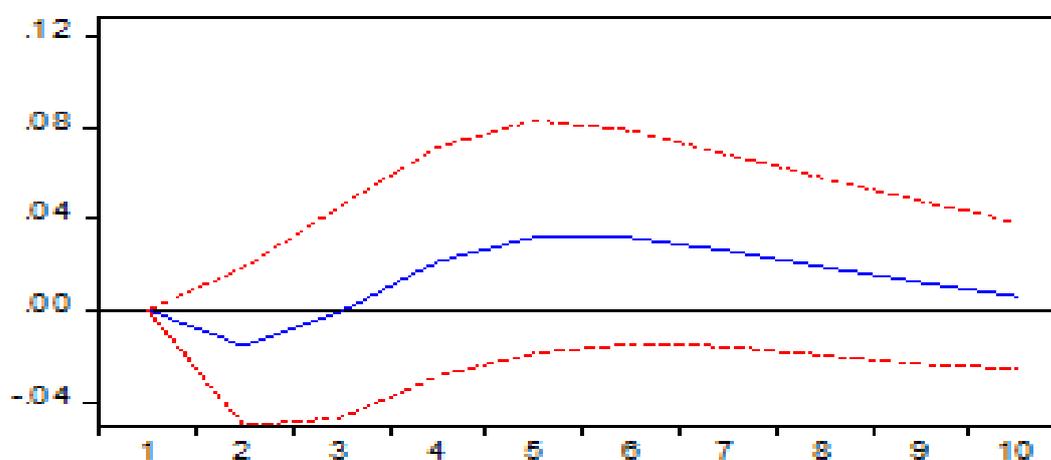


نمودار (۹) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق)

روند نزولی عکس العمل قاچاق به آزادسازی نرخ ارز از دوره اول به بعد نیز ادامه داشته است به طوری که از همان دوره اول به بعد تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است.

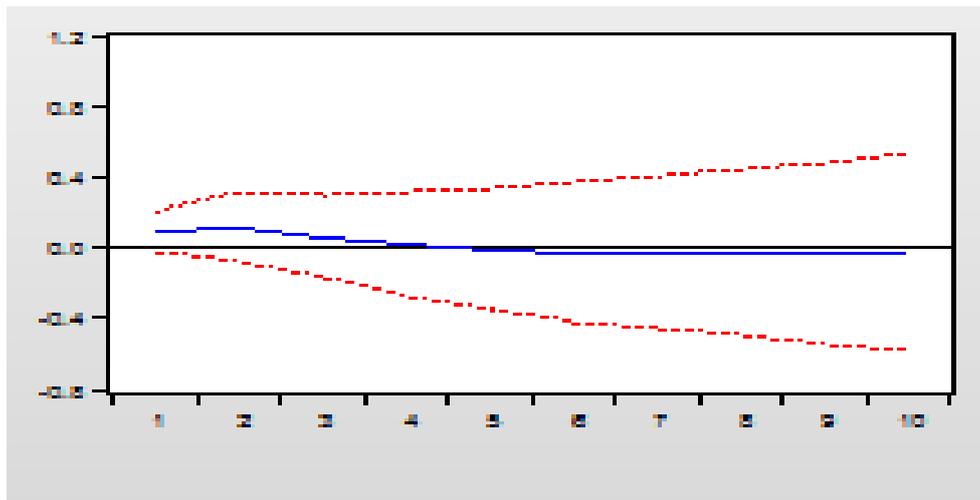
۴-۵. توابع عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر تورم)

به منظور بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر تورم، تابع عکس العمل آنی متغیر تورم به شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز، در طول ۱۰ دوره برآورد شده است.



نمودار (۱۰) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز بر تورم)

نتایج نشان می‌دهد که شکاف نرخ ارز بر تورم اثرگذار بوده و ابتدا باعث کاهش و سپس افزایش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث کاهش شدید تورم و سپس شدت کاهش تورم، کمتر شده و از دوره ۴ به بعد باعث افزایش تورم شده است و از دوره ۶ به بعد شدت افزایش تورم، کاهشی شده است.

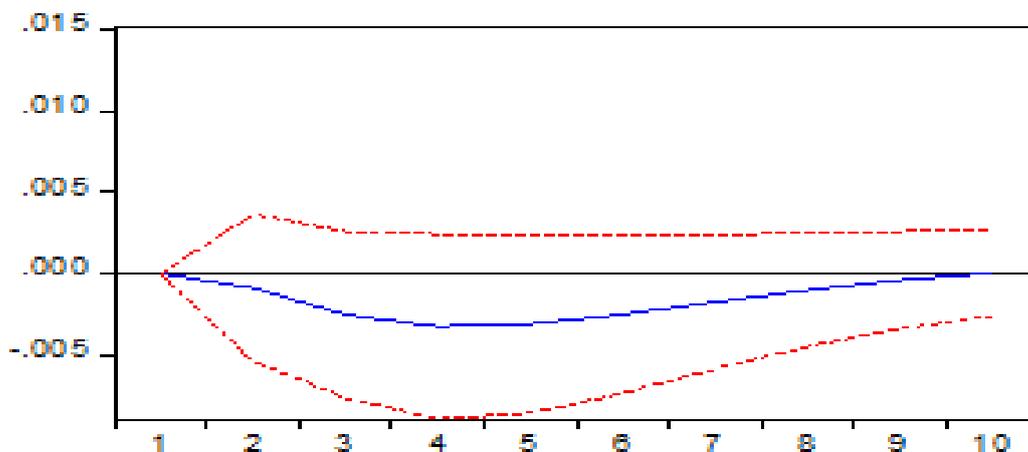


نمودار (۱۱) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر تورم)

نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ ارز بر تورم اثرگذار بوده و ابتدا باعث افزایش و سپس کاهش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث افزایش تورم و سپس باعث کاهش تورم شده است.

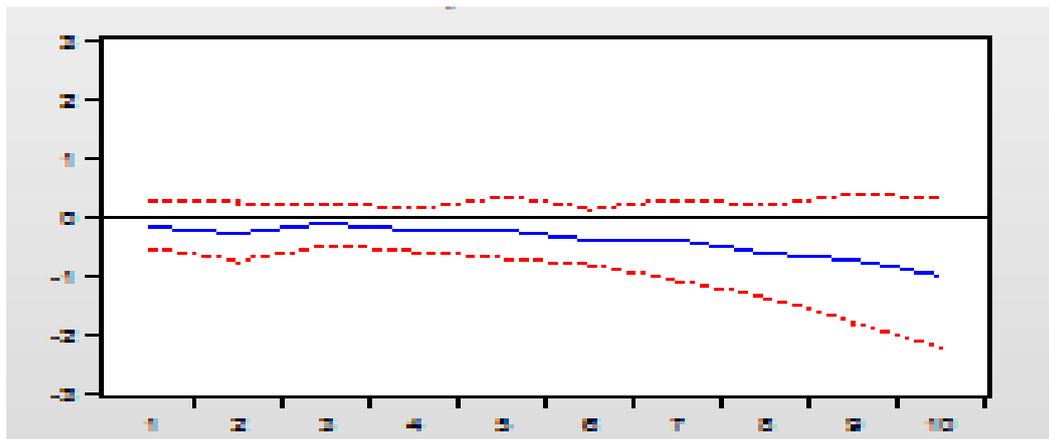
۵-۵. توابع عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر بیکاری)

به منظور بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز بر بیکاری، تابع عکس‌العمل آنی متغیر بیکاری به شکاف نرخ ارز و آزادسازی نرخ ارز، در طول ۱۰ دوره برآورد شده است.



نمودار (۱۲) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر شکاف نرخ ارز بر بیکاری)

نتایج نشان می‌دهد که شکاف نرخ ارز بر بیکاری اثرگذار بوده و ابتدا باعث کاهش شدید و سپس کاهش خفیف بیکاری شده است. در واقع تا ۴ دوره باعث کاهش شدید بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، کمتر شده است.



نمودار (۱۳) نمودار عکس العمل آنی (تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر بیکاری)

نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ ارز بر بیکاری اثرگذار بوده و ابتدا باعث کاهش خفیف و سپس کاهش شدید بیکاری شده است. در واقع تا ۵ دوره باعث کاهش خفیف بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، افزایشی شده است.

۵-۶. خلاصه نتایج اثر شکاف و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی

جدول ۱. اثر شکاف و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی

ردیف	متغیر	اثر شکاف نرخ ارز	اثر آزادسازی نرخ ارز
۱	صادرات	تا ۲ دوره باعث افزایش صادرات، از دوره ۲ به بعد روند افزایشی کاهش یافته و از دوره ۵ به بعد باعث کاهش صادرات شده است.	به طور مثبت، صادرات را تحت تأثیر قرار داده است. این روند صعودی ادامه دار بوده به طوریکه از دوره ۵ به بعد به طور فزاینده صورت گرفته است.
۲	قاچاق	باعث افزایش قاچاق شده است. از دوره پنجم به بعد تأثیر شکاف نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. در واقع شکاف نرخ ارز باعث افزایش قاچاق و از دوره پنج به بعد شدت افزایش قاچاق، کاهشی شده است.	روند نزولی عکس العمل قاچاق به آزادسازی نرخ ارز از دوره اول به بعد نیز ادامه داشته است. به طوری که از همان دوره اول به بعد تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است.
۳	تورم	ابتدا باعث کاهش و سپس افزایش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث کاهش شدید تورم و سپس شدت کاهش تورم، کمتر شده و از دوره ۴ به بعد باعث افزایش تورم شده است و از دوره ۶ به بعد شدت افزایش تورم، کاهشی شده است.	آزادسازی نرخ ارز بر تورم اثرگذار بوده و ابتدا باعث افزایش و سپس کاهش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث افزایش تورم و سپس باعث کاهش تورم شده است.
۴	بیکاری	ابتدا باعث کاهش شدید و سپس کاهش خفیف بیکاری شده است. در واقع تا ۴ دوره باعث کاهش شدید بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، کمتر شده است.	ابتدا باعث کاهش خفیف و سپس کاهش شدید بیکاری شده است. در واقع تا ۵ دوره باعث کاهش خفیف بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، افزایشی شده است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اهمیت نرخ ارز در عملکرد اقتصاد کلان کشور و با توجه به گسترش مطالعات در رابطه با شناسایی روابط میان این متغیر با متغیرهای کلان اقتصادی، پژوهش حاضر به بررسی تجربی اثر شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد و آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای صادرات، قاچاق، تورم و بیکاری اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۷۱ تا ۱۴۰۲ با استفاده از تابع واکنش آنی پرداخته است. نتایج نشان داد که:

(۱) اثر شکاف نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی: تا ۲ دوره باعث افزایش صادرات، از دوره ۲ به بعد روند افزایشی کاهش یافته و از دوره ۵ به بعد باعث کاهش صادرات شده است. باعث افزایش قاچاق شده است. از دوره پنجم به بعد تأثیر شکاف نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. در واقع شکاف نرخ ارز باعث افزایش قاچاق و از دوره پنجم به بعد شدت افزایش قاچاق، کاهشی شده است. ابتدا باعث کاهش و سپس افزایش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث کاهش شدید تورم و سپس شدت کاهش تورم، کمتر شده و از دوره ۴ به بعد باعث افزایش تورم شده است و از دوره ۶ به بعد شدت افزایش تورم، کاهشی شده است. ابتدا باعث کاهش شدید و سپس کاهش خفیف بیکاری شده است. در واقع تا ۴ دوره باعث کاهش شدید بیکاری و سپس شدت کاهش بیکاری، کمتر شده است.

(۲) اثر آزادسازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی: به طور مثبت، صادرات را تحت تأثیر قرار داده است. این روند صعودی ادامه دار بوده به طوری که از دوره ۵ به بعد به طور فزاینده صورت گرفته است. روند نزولی عکس العمل قاچاق به آزادسازی نرخ ارز از دوره اول به بعد نیز ادامه داشته است. به طوری که از همان دوره اول به بعد تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر قاچاق، کاهشی شده است. آزادسازی نرخ ارز بر تورم اثرگذار بوده و ابتدا باعث افزایش و سپس کاهش تورم شده است. در واقع تا ۲ دوره باعث افزایش تورم و سپس باعث کاهش تورم شده است. ابتدا باعث کاهش خفیف و سپس شدت کاهش بیکاری، افزایشی شده است.

وقتی ارز دو یا سه و یا چند نرخی باشد مشکلات و مسائل بیشتری برای کشور ایجاد می‌کند که از جمله آنها می‌توان به برهم زدن آرامش جامعه ناشی از رانت و فساد و همچنین برهم زدن تعادل بین حوزه تولید و مصرف اشاره کرد، امروزه بخش‌های مختلف اعم از صنعت، تجارت و کشاورزی به هم مرتبط هستند. تولیدکننده کشاورزی مصرف کننده تجهیزات صنعتی است و تولیدکننده تجهیزات صنعتی، مصرف کننده کالاهایی است که در حوزه فولاد و معدن تولید می‌شود. بنابراین زمانی که در یک بخش رانت ایجاد شود سایر بخش‌ها یا تعطیل شده و یا دچار اختلال در هزینه و درآمد می‌شود و شرایط بازار به هم می‌خورد. با توجه به اینکه وجود شکاف میان نرخ ارزهای مختلف در ابتدا باعث کاهش تورم می‌گردد لذا یکسان‌سازی نرخ ارز در ابتدا تورم را بالاتر می‌برد. در شرایط تحریم بدون ذخایر کافی، تک نرخی کردن در ابتدا می‌تواند به **شوک تورمی** منجر شود. در نتیجه باید الزاماتی وجود داشته باشد:

* ذخایر ارزی به اندازه کافی وجود داشته باشد** اصلاح ساختار بودجه ایجاد گردد یعنی به نفت وابستگی کمتر شود و یارانه‌های پنهان هم حذف گردد؛*** کنترل نقدینگی: بانک مرکزی باید رشد پایه پولی را به زیر بیست درصد برساند؛**** آزادسازی تجارت و سرمایه: در واقع حذف موانع صادراتی و ایجاد کانال‌های بانکی جدید است؛***** حمایت اجتماعی: توزیع کالابرگ الکترونیکی و یارانه نقدی برای اقشار آسیب پذیر.

منابع

۱. احمدی، امید، الباجی، یوسف و بذرافکن، اشکان. (۱۴۰۳). برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی، دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات بین رشته‌ای در مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران.
۲. اصغرپور، حسین، کازرونی، علیرضا، پاشازاده آقمنار، علی. (۱۳۹۳). تاثیر نامتقارن نرخ ارز بر تقاضای پول در ایران (۱۳۷۱-۱۳۹۳). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
۳. پروین، سهیلا، رمضان‌زاده ولیس، گلروز و خوشکلام خسروشاهی، موسی. (۱۳۹۸). اثر سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۱، ۴۲-۷.
۴. جنتی، ابوالفضل، اسماعیلی، علی، راعی، الناز. (۱۳۹۳). بررسی اثر نرخ ارز بر تقاضای پول: رویکرد همجمعی با داده‌های کاربردی (مطالعه‌ی موردی کشورهای منتخب در حال توسعه). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه غیر دولتی شهید اشرفی اصفهانی.
۵. داودی، پرویز و سزاوار، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی افزایش نرخ ارز و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم، فصلنامه علمی، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، شماره ۴، ۱۱۷-۹۹.
۶. زبیری، هدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد بر تورم اقتصاد ایران (رهیافت سری زمانی ساختاری)، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی، شماره ۲۶.
۷. طیبی، کمیل، فارسانی، نظری، گوگردچیان، احمد و زمانی، زهرا. (۱۳۹۹). اثر یکسان‌سازی نرخ ارز بر رابطه مبادله‌ی تجاری در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۵۴.
۸. نوفرستی، محمد، یزدانی، مهدی، قنبری ممان، حسنعلی و بابائی، نسیم. (۱۴۰۰). اثر تغییر نرخ ارز بر متغیرهای اقتصاد کلان از طریق سیستم بانکی: رویکرد الگوی اقتصادسنجی کلان، تحقیقات مدلسازی اقتصادی، شماره ۴۳، ۱۳۱-۹۹.

9. Bahmani-Oskooee, M., & Gelan, A. (2018). Exchange Rate Volatility and International Trade Performance: Evidence from 12 African Countries, *Economic Analysis and Policy*, Vol. 58, 14-21.

10. Basher, S. A., Haug, A. A., & Sadorsky, P. (2012). Oil prices, exchange rates and emerging stock markets. *Energy Economics*, 34 (1), 227-240.

11. Butuzov, D. (2016). Impact of the EU and US sanctions on the foreign exchange rate of Russia (Doctoral dissertation, Instituto Superior de Economia e Gestão).
12. Byrne, J.P., & Davis, E.P. (2005). Investment and uncertainty in the G7. *Rev. World Econ.* 141 (1), 1–32.
13. Çeliköz, Y. S., & Arslan, Ü. (2011). The effects of the interest rate volatility on Turkish money demand. *International Business Research*, 4 (4), 286.
14. Coudert, Virginie, Couharde, Cecile, & Mignon Valerie. (2015). On the Impact of Volatility on the Real Exchange Rate-terms of Trade Nexus: Revisiting Commodity Currencies, *Journal of International Money and Finance*.
15. Devereux, M. B. (2004). Should the exchange rate be a shock absorber?. *Journal of International Economics*, 62 (2), 359-377.
16. Dreger, C., Kholodilin, K. A., Ulbricht, D., & Fidrmuc, J. (2016). Between the hammer and the anvil: The impact of economic sanctions and oil prices on Russia's ruble. *Journal of International Money and Finance*, 67, 464-475.
17. Eyler, R. (2015). On Economic Sanctions and Exchange Rates. *Journal of International Money and Finance*, 54, 295-308.
18. Gurvich, E., & Prilepskiy, I. (2015). The impact of financial sanctions on the Russian economy. *Russian Journal of Economics*, 1 (4), 359-385.
19. Jongwanich, J., & Kohpaiboon, A. (2013). Capital flows and real exchange rates in emerging Asian countries. *Journal of Asian Economics*, 24, 138-146.
20. Rasolyar, M. S., Babaei, J., & Yavari, S. (2015). The Effect of Sanctions on Exchange Rates through GMM Method (A Cross Country Comparison). *International Journal of Review in Life Sciences*, 5 (3), 1202-1207.
21. Servén, L. (2003). Real-exchange-rate uncertainty and private investment in LDCs. *Review of Economics and Statistics*, 85 (1), 212-218.
22. Steinberg, D. A., & Shih, V. C. (2012). Interest group influence in authoritarian states: The political determinants of Chinese exchange rate policy. *Comparative Political Studies*, 45 (11), 1405-1434.

23. Torbat, A. E. (2005). Impacts of the US trade and financial sanctions on Iran. *World Economy*, 28 (3), 407-434.
24. Urata, S., & Kawai, H. (2000). The determinants of the location of foreign direct investment by Japanese small and medium-sized enterprises. *Small Business Economics*, 15 (2), 79-103.
25. Xiong, Q., & Tian, Y. (2015). Legalization of international cooperation and effectiveness of financial sanctions: explaining the evolution of Iran's nuclear issue. In: *Asia Pacific contemporary*, 1, 98-130.